

— آقای خادم برای خوانندگان مجله بخارا از زندگی خودتان بفرمائید. کی و کجا متولد شدید؟

سال ۱۳۰۹ شمسی در محله حسن آباد تهران متولد شدم. تحصیلات خود را تا سطح لیسانس در ادبیات فارسی در همین تهران که به قول شهریار دیگر سرزمین دل‌انگیز آن زمانی نیست، به پایان رساندم و اینک در آستانه سال ۱۳۸۲ باز به قول شهریار دارم سری از گذشت ایام سودائی و مالیخولیائی. تحصیلاتم در دانشکده ادبیات تهران مصادف بود با سالهای حرکات ملی و ضد استعماری ملت ایران و در آن هنگام دانشگاه پرچمدار و پیش آهنگ این مبارزات شد. در دانشکده افتخار حضور در درس اساتیدی عالیقدر و انسانهایی شریف و والا چون فروزانفر، همایی، عصّار، معین، صفا، صدیقی و... که همواره یادشان گرمی باد پیدا کردم. بعد از اخذ لیسانس، مانند دوران تحصیل به معلمی پرداختم. در سال ۱۳۵۵ داوطلبانه زود هنگام بازنشسته شدم. در ۱۳۵۷ به قصد تحصیلات عالی تر راهی پاریس شدم و از مدرسه مطالعات عالی در تاریخ فوق لیسانس شدم. با بروز انقلاب و گرفتاریهای خانوادگی ادامه تحصیل را رها کردم در دوران دانشگاه و بعد از آن با بعضی از جراید از جمله روشنفکر همکاری داشتم. و در زمینه رویدادهای اجتماعی و اتفاقات جالب «رپرتاژ» تهیه می‌کردم، که در نوع خود در آن روزگار کاری نو و بدیع به شمار می‌رفت. مثلاً مصاحبه با شخصی با فامیل بلور (اسمش را

فراموش کرده‌ام، اما یادم هست که ساکن محله سرتخت (اکباتان) بود این شخص که ظاهراً در کمال سلامت جسم و عقل می‌نمود از زمان نخست‌وزیری حکومت مرحوم دکتر مصدق ادعا داشت که نخست وزیر قانونی است، حتی ایشان را به همکاری دعوت کرده بود، که مرحوم مصدق در کمال ادب طی نامه‌ای عذر خواسته بود. عین نامه عکس آقای بلور در پشت میز وزارت تلفن به دست همراه رپرتاژ چاپ شد. چند سال پیش برای وضع بیکاری (و شاید هم کمک خرج) در دانشگاه مدرس زبان انگلیسی شدم.

### — چه شد که به ترجمه روی آوردید؟

نمی‌توانم بگویم که عشق به این کار با شیر در وجود من اندرون شده است، اما هنگام اشتغال به ترجمه از هر چیز فارغ شده و گذشت زمان را فراموش می‌کنم که خوب می‌دانید در اوضاع و احوال فعلی نعمتی است. گاه می‌شود برای یافتن معادل یا مفهوم درست واژه‌ای ساعتها به تلاش و تقلای فکر می‌افتم.

### — اولین کتابی که به قلم جنابعالی به فارسی در آمد چه نام داشت و چه شد که توجه شما را جلب کرد؟

اولین کتاب ترجمه بند «آفریقای آزاد» نام داشت، که نویسنده آن سالواتوره فردارو، محقق ایتالیائی در امور افریقا بود. در واقع کتاب تحقیقی بود درباره پدیده‌ای جدید که بعد از جنگ جهانی دوم و تأسیس کشورهای نو استقلال پای گرفته بود و با بیانی نادرست ولی پرمعنی «بیداری نژاد غیر سفید» نام گرفت. محتوای اصلی این پدیده تضمین راسخ انسانهای عقب افتاده آسیا و افریقا برای جای گرفتن در حلقه دنیای نوین و اشتراک مساعی در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان ملت‌ها و قاره‌ها بود. رویهمرفته در حال و هوای حاکم بر کشور ما در سال ۵۷ انتشار این کتاب عملی به موقع و بسیار آگاهی بخش به شمار می‌رفت.

### — لطفاً دیگر ترجمه‌هایتان را معرفی کنید؟

ترجمه‌های دیگر بنده عبارتند از: ۱ — «تاریخ دربند و شروان»، اثر مستشرق شهیر روس مینورسکی، ناشر: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تابستان ۷۵. مینورسکی در این تحقیق بر پایه کتاب جامع الدول، اثر مؤلف ترک احمد بن لطف الله، ملقب به منجم باشی ضمن توضیحات و تعلیقات خود اطلاعات جدید و ارزشمندی درباره امیرنشین‌های محلی و گاه شماری رویدادهای سیاسی منطقه عرضه می‌دارد. نوشته‌های مینورسکی مؤید این حقیقت است که



● محسن خادم (عکس از علی دهباشی)

۲۴۲

منطقه شمال ارس هیچ گاه آذربایجان خوانده نشده است و عنوان جعلی و ناپایدار آذربایجان برای این منطقه (چه با صفت شوروی و چه بدون آن) با واقعیات تاریخی سازگار نیست.

۲ - پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز، اثر مینورسکی از انتشارات: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی. در این پژوهش که شامل سه بخش مستقل است مینورسکی با استفاده از منابع گوناگون اسلامی و مسیحی ضمن تحلیل و نقد آنها - نکات ارزنده‌ای از تاریخ قفقاز را روشن ساخته است.

۳ - همکاری با بنیاد فوق در ترجمه مقالاتی از زبان انگلیسی به فارسی. ۴ - تاریخ جنگهای ایران و روس که با قراردادهای گلستان و ترکمان چای پایان یافت. ۵ - لشکرکشی اسکندر، تألیف مورخ رومی قرن دوم میلادی آریان. دو کتاب اخیر حدوداً ۵ سال پیش به مؤسسه محترم نشر دانشگاهی سپرده شده است.

**— در سهای تاریخ از کتابهای مهمی است که جنابعالی ترجمه کردید درباره این کتاب بفرمائید؟**

در این باره بهتر است قبل از همه از زبان ویل دورانت بشنویم: «پس از اتمام تاریخ تمدن تا سال ۱۷۸۹، به قصد تجدید چاپ با تجدید نظر که در آن بسیاری از قلم افتادگی‌ها، خطاها، یا غلط‌های چاپی تصحیح شده باشد ده جلد آنرا (به اتفاق همسر) بازخوانی کردیم، در جریان کار

رویدادها و روایاتی را که ممکن است روشنگر وقایع جاری، احتمالات آینده، طبیعت بشری، روش کشورها باشد، یادداشت کردیم. کوشیدیم استنتاج‌ها را به پایان کار موکول کنیم، اما بی‌شک نظرگاه‌های از پیش شکل گرفته در انتخاب مطالب توضیحی تأثیر داشته‌اند. حاصل کار اثری است که می‌خوانید... آن‌چه عرضه می‌کنیم محصول بررسی تجربه انسان است نه کشف و دریافت شخصی.»

از این قرار دفتر درس‌های تاریخی پس گفتاری بر ده جلد تاریخ تمدن (که خوشبختانه مترجمانی بصیر و صالح به فارسی برگردانیده‌اند)، و در واقع عصاره آن است. دورانت‌ها که در این پس گفتار با طرح مسائل جدید اما کلی و بی‌سابقه چون تاریخ و زمین / زیست‌شناسی و تاریخ / نژاد و تاریخ / اخلاق و تاریخ / دین و تاریخ / اقتصاد و تاریخ / سوسیالیزم و تاریخ / حکومت و تاریخ / جنگ و تاریخ، کوشیده‌اند با دستیابی به گنجینه تاریخ چهار هزار ساله بشر به پرسش‌های عام مطروح در تاریخ پاسخ گویند.

آنچه در خلال سطور کتاب به چشم می‌خورد و اندیشه‌های والا و نوع دوستانه زوج نویسنده است اینان پس از تجربه همه مکاتب و آرمانها، در کارگاه تاریخ (و به قول خود آزمایش همه ایزم‌ها به مقتضای جوانی) و گذر از جنگ هفتاد و دو ملت، بزرگترین آموزه تاریخ را این یافتند که «صبورانه حقیقت را بپذیریم و پندارهای یکدیگر را ارج نهمیم.»

— آخرین کتابی که از شما در دست انتشار است توسط انتشارات ققنوس منتشر خواهد درباره این کتاب نیز بفرمائید؟

کتاب تاریخ خزران که اینک انتشارات ققنوس در کار نشر آن است و همین روزها منتشر می‌شود، تحقیق جامعی است درباره این قوم که سرگذشت آنان با تاریخ میهن ما خصوصاً در قرون ششم و هفتم پیوند تنگاتنگ دارد. موضوعات مورد بحث کتاب عبارتند از: آغاز کار خزرها، روابط احتمالی آنان با ایرانیان قبل از اسلام، تماس خزرها با روم (شرقی) در زمان‌های مختلف، جنگ خزرها با اعراب، گرویدن خزرها به دیانت یهود، روابط خزرها با روس‌ها، و سرانجام از میان رفتن دولت خزر؛ نام اصلی کتاب تاریخ خزرها یهودی [کیش] است، اما موضوع رواج یهودیت (دین) میان خزرها (آنهم در مقطع کوتاهی از زمان) به صورت واقعه‌ای در کل تاریخ این قوم بحث و بررسی شده است. می‌بینیم که روزگاری ملوک این قوم، شاید به انگیزه‌های سیاسی، ظاهراً به یهودیت گرویدند و رعیت نیز به قاعده مرسوم آن ایام به دین ملوک در آمده با این همه روشن نیست که نویسنده به کدام انگیزه و محمل برای کتابی با خصوصیات فوق، عنوان یاد شده را انتخاب کرده است. چه این عنوان تنها ناظر بر بخشی محدود از کتاب

است و بسا که عامل سر در گمی خواننده نیز باشد. مؤلف که خود روحانی زاده و پروتستانی معتقد و با سابقه فعالیت‌های کلیسایی بوده، بی‌طرفانه به تحقیق و تاریخ‌نگاری پرداخته و از هر گونه شائبه‌گرایی قومی یا مذهبی، یا احیاناً کوشش در راه اعتلای قوم یهود مبر است. آنگونه که از گفته‌های وی بر می‌آید سابقه طرح چنین تحقیقی به سالهای قبل از جنگ جهانی دوم باز می‌گشته است، که با شروع جنگ موضوع مسکوت می‌ماند. به هر روی تألیف وی مؤید آنست که «قومیت یهود» و «دیانت یهود» دو مقوله به کلی مغایر بوده و هر یک گستره جغرافیائی خاص دارند.

متأسفانه با وجود آمیختگی تاریخ میهن ما با حوادثی که بر این قوم گذشت، چنان که باید و شاید در این زمینه بررسی لازم و جامع صورت نگرفته است. تنها قریب بیست سال پیش کتاب خزران نوشته آرتور کستلر با ترجمه‌ای شیوا و فاضلانه به فارسی انتشار یافته است که در آن نویسنده سخت مرهون پژوهش‌ها و استنتاجات و نلپ دیده می‌شود.

#### — چه کتابهایی از جنابعالی در انتظار چاپ هستند؟

کتاب دیگری که باز انتشارات ققنوس سرگرم نشر آن است، مقدمه گونه‌ای است بر «سفرنامه ناصر خسرو» از این قرار که خانم الیس. سی هانس برگر به پیشنهاد مؤسسه مطالعات اسماعیلی کتابی درباره احوال و آثار ناصر خسرو نگاشته (بعد از اتمام رساله دکترای خود تحت عنوان نظریات ناصر خسرو درباره نفس) و به قول خود کوشیده است «همه عناصر سازنده زندگی و آثار وی با هم تلفیق گردد.» حاصل این کوشش ارجمند، کتابی شده است با عنوان عمیق و پر معنای لعل بدخشان، که در آن سفرهای ناصر جایگاهی خاص دارد، و به اعتقاد نویسنده «سفرهایش در پی تحول روحی و گرایش به مذهب اسماعیلیه صورت گرفت و دید شاعرانه و نیز ارزشهای مذهبی‌اش در سراسر سفرنامه او — در نقاطی که به مشاهده آنها می‌رود، مناظری که از دیدن آنها به وجد می‌آید، و توجه دقیق به اقوام و اماکن و فرهنگ‌ها — حضوری آشکار دارند» در واقع تکیه ایشان بر سفرنامه و بررسی آن از زوایای مختلف پدید آمدن مجموعه‌ای است که می‌توان از آن مستقلاً به صورت پیشگفتاری برای شرح سفرنامه و معرفی شخصیت او — خصوصاً طی سفر هفت ساله بهره گرفت.

از آنجا که ناشر محترم در صدد تجدید چاپ «سفرنامه» (بر اساس نسخه مصحح غنی‌زاده، چاپ کاویانی) بود، به پیشنهاد آن مؤسسه از میان لعل بدخشان (که تقریباً آماده چاپ بود، اما ترجمه‌ای دیگر از آن وارد بازار شد) مطالبی بیشتر در خور معرفی سفرنامه و شرح سوانح احوال ناصر گزینش و تدوین گردید تا به صورت دیباچه‌ای بر چاپ جدید سفرنامه در آید.

# درس‌های تاریخ

ویران‌ترین دولت  
ترجمه محسن خادم

# تاریخ خزران

از پیدایش تا انقراض

د.م. دانلب

ترجمه محسن خادم



## — وضعیت ترجمه را در شرایط فعلی چگونه می‌بینید؟

به نظر بنده وضعیت ترجمه در شرایط فعلی سخت اسف بار است، اسف بار از آن جهت که در دو دهه اخیر ترجمه رشد کمی عظیم و چشم‌گیر داشته اما از جهت کیفی افت بسیار کرده است. کما اینکه در قلمرو تألیف و نشر هم هر ساله در مراسم برپایی نمایشگاه کتاب بیشتر گفتگو از بالا رفتن آمار عنوان‌های چاپ شده است، و مهم نیست که در پشت این عناوین چه نهفته باشد. برداشت بنده این است که اکثر مترجمان تازه کار ما تحصیل کردگان خارج‌اند که شاید به زبان مبداء (میهمان) تبخّر زاید الوصف داشته باشند، اما پای مسئله تسلط به زبان مقصد (میزبان) می‌لنگد و کار از همین جا عیب پیدا می‌کند. شما کتاب «غلط نویسیم» استاد ابوالحسن نجفی را بخوانید می‌بینید که مترجمان ناآشنا به زبان فارسی با ترجمه‌های نادرست خود چه‌ها کرده‌اند.

استقبال عمومی از ترجمه‌های قدیم خصوصاً انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب دلیل بر صد گفتار بنده است. البته در کشورهای که در هر دهه کوره برای بالا رفتن تابلوی دانشگاه دانشکده‌های ترجمه تأسیس می‌شود و بعد از سه سال گذرانیدن واحدهای گوناگون جواز ترجمه دست شاگرد داده می‌شود، حتماً امر ترجمه چه از حیث کمی ترقی و رشد سریع می‌کند و همه ساله تعداد عنوان‌های کتاب بالا می‌رود.

نقص دیگر امر ترجمه در اینست که اکثر به صورت ترجمه مافی یا ثالث به دست خواننده فارسی می‌رسد، به این معنی که اکثر متون ابتدا از لاتین، یونانی، اسپانیایی، ایتالیایی، روسی و غیره به انگلیسی - و اخیراً هم به عربی برگردانیده شده و سپس به فارسی در می‌آیند، که در این انتقالهای دو یا سه باره اصالت و استقلال کلام لطمه می‌بیند.

#### — چه در دست ترجمه دارید؟

فعلاً مشغول ترجمه «تاریخ مختصر رنسانس»، اثر پُل جونسون Paul Johnson مورخ برجسته انگلیسی و از انتشارات Modern Library Chronicles, New Yourk هستم. متأسفانه به خاطر وفور اصطلاحات نقاشی، معماری، موسیقی و چاپ و اشکال یافتن معادل‌های فارسی، کار به کندی پیش و خسته کننده پیش می‌رود. امیدوارم بعد از اتمام کار با جمله: «آقا از رنسانس که ترجمه داریم» از سوی ناشرین روبرو نشود.

#### — آرزو دارید چه کتابی را در آینده ترجمه کنید؟

مسلماً هر مترجم علاقمند به کار خود در آرزوی آنست که عمر و وقت خود را بروی آثار خوب و برجسته بگذارد، اما با وضع نشر در شرایط فعلی پرداختن به کارهای بزرگ که شاید چندین سال طول بکشد و بعد هم یافتن ناشر برای آن دل و جرتی می‌طلبد که بنده فاقد آنم. در حال حاضر تنها تصمیم دارم کار «رنسانس» را به پایان برسانم و فعلاً به قول حافظ «در این خیالم ار بدهد عمر فرصتم».